

بررسی انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب جمهوری

اسلامی ایران

در سال های اواخر خلافت عباسی ، همزمان با ضعف و پراکندگی خلافت اسلامی ، و درگیری ها و نزاع های منطقه ای ، و رواج تعصبات جاهلی و اذیت و آزار اقلیت های مذهبی، مسیحیان به اندیشه فتح و تصرف بیت المقدس افتاده ، هزاران هزار مسیحی از سراسر اروپا به راه افتاده روانه بیت المقدس شدند ، و سرانجام قبله اولیه مسلمانان را از چنگ مسلمین خارج ساختند و مسیحیان وارد قلب عالم اسلام گردیدند و با همکاری و هماهنگی قبائل تاتار خلافت اسلامی سقوط کرد و روزگاری بر جهان اسلام گذشت که امت اسلامی فاقد وحدت رهبری شد و گرفتار سقوط سراسری گردید و قدس شریف تحت سلطه صلیبیان قرار گرفت.

داستان سقوط خلافت اسلامی و تصرف بیت المقدس توسط مسیحیان ، در حقیقت نشانه کامل ضعف و انحطاط امت اسلامی بود و مسلمانان در سراسر جهان از این اخطار الهی به حرکت در آمدند ، حرکات آزادی بخش و جهاد های اسلامی به افتاد و بار دیگر مسلمانان قیام کردند و قدس شریف را آزاد نمودند و سرانجام مجددا خلافت اسلامی در آنجا تاسیس شد که به خلافت عثمانی منجر گردید . یعنی بار دیگر امت اسلامی به ارزش های اسلامی برگشتند و خداوند عزت و قدرت از دست رفته آنان را به آنان باز گرداندند ، و مصیبت از آنان برداشته شد . این خلافت مجدد و بازگشت اسلام به سرزمین فلسطین

چندین سده به طول انجامید و به صورت قدرتی بزرگ در جهان بشریت پدیدار گردید ، لیکن این بازگشت اسلامی و این فرصت استثنائی مورد بهره برداری صحیح قرار نگرفت و امت اسلامی در جایگاه واقعی خود واقع نشد و رهبری جهان اسلام ، پیشاهنگ علوم و صنایع و حکمت و تقوی و عدالت و هدایت قرار نگرفت و کشورهای اروپایی پیشوائی علوم و صنایع را از مسلمانان گرفته و به خود اختصاص دادند.

حکومت ناصحیح و نادرست خلفاء عثمانی ، گرایش آنان به سوی قبائل ترک و بد رفتاری آنان با ملیت ها و طوائف گوناگون ، دوری آنان از عدالت و تقوی و سقوط آنان در جهالت و غفلت ، بار دیگر موجبات سستی و ضعف خلافت عظیم اسلامی را پدید آورد و صالحان به کناری رفتند و مترفین و اسراف کاران بر اسرزمین های اسلامی تسلط یافتند و بنابراین بار دیگر دشمنان بیگانه و دیرینه ، شرائط را مغتنم شمرده آماده حمله به جهان اسلام و بلعیدن سرزمین های اسلامی شدند .

در این شرائط ضعف و زبونی ، آرام آرام آوازه خلافت اسلامی بر افتاد و رعب شدیدی که در دل های دیگر امت ها بود زائل شد و آثار ضعف و ناتوانی در خلافت اسلامی پدید آمد و انگلستان و فرانسه و روسیه ، هر کدام از سوئی آهنگ سرزمین های اسلامی نمودند و انگلستان از این میان سرزمین فلسطین را اشغال کرد و قلب تپنده امت اسلامی ، یعنی بیت المقدس گرفتار پنجه بیگانگان گردید و سر انجام به سال ۱۹۴۸ میلادی پرچم اسرائیل به علامت بازگشت قوم یهود در خاک فلسطین و بر فراز اولین قبله اسلم به اهتزاز در آمد ، باشد که خداوند بدینگونه بار دیگر امت اسلامی را به حرکت در آورد.

از علائم آگاهی و بیداری جهان اسلام، پیدایش انقلاب اسلامی در سرزمین ایران و در مهد محبت اهل بیت علیهم السلام می باشد و از دیگر نشانه های بیداری جهان اسلام پیدایش انتفاضه در درون رژیم غاصب اسرائیل در چهلمین سال تاسیس این حکومت می باشد که بر خلاف اندیشه های روشنفکر مآبانه بعضی سران کشورهای اسلامی مژده دهند قیامی همگانی در امت اسلامی می باشد.

یادآوری این نکته لازم است که در اواخر قرن ۱۹ میلادی همزمان با سستی و پراکندگی ملت های اسلامی و به ویژه گروه های عربی، نهضتی در میان یهودیان اروپا شکل گرفت که هدف آن تشکیل یک کشور یهودی در سرزمین فلسطین بود، این نهضت بعدها به نام صهیو نیزم نام گرفت و هدف از این نهضت، رهائی از تبعیض ها و مظالم اروپائیان بود که از قرن ۱۱ بر یهودیان تحمیل شده موجب کشتار یهودیان و ترک دین یهود شده بود.

در قرن ۱۴ میلادی با پیدایش طاعون در اروپا و مرگ و میر بسیاری از مردم، این شایعه قوت یافت که یهودیان موجب انتشار این بیماری شده اند و بنابراین قتل عام و و حشتناکی از یهودیان به عمل آمد که منجر به فرار بسیاری از آنها و گرد آوری آنان در محلات محصور یهودیان گردید و این سخت ترین روزگار یهودیان بود.

پیدایش انقلاب کبیر فرانسه و به وجود آمدن آزادی های فردی و اجتماعی موجب پیشرفت زندگی یهودیان در فرانسه و سپس در دیگر کشور های اروپایی گردید و نسیم آزادی به یهودیان این اجازه را داد که به صحنه اجتماع سوق داده شوند، لیکن زندگی یهودیان اروپای شرقی در روسیه و لهستان تغییر زیادی نکرد و بلکه یهودیان به عنوان

سمپات های خارجی موجب تعقیب قرار گرفتند . گرفتاری های پی در پی یهودیان در روسیه مقدمات مهاجرت آنان را به آمریکا فراهم ساخت و حضور یهودیان در سرزمین پهناور و بدون حد و مرز آمریکا ، منجر به رشد و نمو سریع آنان شده ، منتهی به قدرت یافتن یهودیان در درون ملت آمریکا گردید همزمان با مهاجرت یهودیان به آمریکا ، تعدادی از یهودیان نیز به قصد سکونت در فلسطین عازم فلسطین شدند.

در سال ۱۹۸۶ نخستین کنگره جهانی صهیو نیست ها در شهر "بال" بازل سوئیس برگزار شد و مرام صهیونیستی به صورت یک نهضت سراسری در اروپا آمد.

"تئو دور هرتسل" دبیر روزنامه معتبر وین به نام " نوایه فرایه هراسه " رهبری این نهضت را به دست گرفت و به سال ۱۹۸۶ جزوه ای تحت نام "دریودن اشتات " " کشور یهودیان" منتشر ساخت و در آن خواهان تشکیل یک کشور یهودی در فلسطین شد اندیشه تشکیل یک سرزمین یهودی نشین از سالهای قبل توسط سیاستمداران انگلیسی و فرانسوی مانند پالمستون وزیر خارجه انگلیس به سال ۱۸۳۹ و ناپلئون بناپارت به سال "۱۷۹۸" برای جلب حمایت یهودیان ، پیشنهاد شده بود.

در حقیقت قدرت و وحدت یهودیان و ضعف و تفرقه امت اسلامی فقط و فقط در سایه اندیشه های ناسیونالیستی به وجود آمد ، در سایه پیدایش اندیشه های ناسیونالیستی ، اصالت به ملت ها داده شد و حال آنکه در اندیشه توحیدی اصالت به وحدت اعتقادی داده شده است ، بنابراین با پیدایش انقلاب کبیر فرانسه و اصالت یافتن اندیشه ملی گرائی ، یهودیان که به صورت عناصر بیگانه و غیر مسیحی در اروپا زندگی می کردند به صورت یهودیان هموطن جلو گر شدند و از حقوق مساوی شهروندان فرانسوی ، ایتالیائی، انگلیسی

، آلمانی و روسی برخوردار شدند، و دست اندرکاران فعالیت شده در اندیشه تشکیل یک سرزمین یهودی در درون سرزمین های اسلامی یعنی فلسطین گردیدند و در سایه ملت گرائی صاحب یک کشور شدند.

در حالیکه همین اندیشه ملت گرائی موجب تجزیه و ضعف و تفرقه و پاره پاره شدن جهان اسلام گردید ، و امت واحده اسلامی به کشورهای کوچک و متفرق ، ترکیه و حجاز و عراق و کویت و سوریه و اردن و لبنان و یمن و امارات و قطر و عمان تبدیل گردیدند و انگلستان و فرانسه و سرپرست کشورهای عربی شدند، و سرزمین های عربی تحت قیمومیت انگلستان و فرانسه و ایتالیا قرار گرفتند و کشور های تونس و مغرب و لیبی و الجزایر به تصرف دول اروپایی در آمدند و فلسطین نیز ضمن توطئه ای حساب شده ، به یهودیان اروپا و روسیه داده شد و یک پایگاه نظامی استعماری بسیار نیرومند به جهت حفظ منافع اروپا و آمریکا در خاور میانه تاسیس شد.

از آنجا که صهیونیسم یک اندیشه کاملاً استعماری بود و به قصد واگذاری و بذل و بخشش سرزمین فلسطین به یهودیان آواره و مورد تعقیب و شکنجه و آزار اروپا پدید آمده بود و هدف از آن کوچاندن یهودیان اروپا به درون سرزمین اسلامی و تصاحب و غصب اراضی اعراب مسلمان بود ، بنابراین لازم بود برای مشروعیت دادن به این امر غیر مشروع و آراستن یک لکه ننگ و پاک کردن آثار یک جرم بزرگ و تزئین یک حادثه شوم و زشت و بلعیدن غاصبانه یک سرزمین اسلامی ، تبلیغاتی عظیم و سراسری و فراگیر و مداوم برای همه ملت ها و اقوام جهان انجام گیرد، تا: اولاً یهودیان در اندیشه مهاجرت و سکونت در ارض فلسطین افتند و در یک سرزمین محصور و محاصره شده ساکن شوند ، و

در ثانی ملت های اروپا و آمریکا تصاحب یک سرزمین را توسط اقوامی که از نقاط گوناگون آمده اند پذیرا شوند ، و ثالثا سرزمین های اسلامی و سران کشورهای عربی ، تن به این ننگ عظیم بدهد ، بنابراین برای تحقیق این اندیشه خطرناک و دروغ عظیم ، دست استعمار گران از آستین صهیونیست ها بیرون آمده ، تبلیغاتی فراگیر و گسترده و حساب شده و مداوم با استفاده از پیشرفته ترین وسائل و ابزار موجود برای مشروعیت به یک دولت و کشور یهودی آغاز گردید.

صهیونیست ها که افراد بسیار معدودی بودند از همان آغاز به اهمیت تبلیغات پی بردند ، چنانکه در پروتوکولات حکمای صهیون اشاره به بهره برداری از تبلیغات و تصاحب کامل وسائل و ابزار تبلیغاتی و مطبوعاتی و انتشاراتی شده است .

اهداف نهائی این تبلیغات سوء نیز کاملا از قبل تعیین شده عبارتند از : مظلوم نمایی برای قوم یهود ، مشروعیت مهاجرت به خاک فلسطین ، خدمات یهودیان به جهان بشریت ، انتقال تکنیک و فرهنگ غرب به خاور میانه و آسیا توسط یهودیان ، نگهبانی از منافع غرب در درون سرزمین های اسلامی توسط یهودیان ، نگهبانی از منافع غرب در درون سرزمین های اسلامی توسط یهودیان ، بازگشت به ارض موعود بر طبق یک وعده الهی ، حل مسئله نهایی یهودیان و اسکان آنان در فلسطین ، گسترش عدالت و آرامش در سایه یک حکومت یهودی ، و در نهایت تاسیس اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات.

یهودیان در ضمن کوشیدند تا فلسطین را سرزمین خالی از سکنه معرفی کنند و اعراب را جمعیتی چادر نشین و بی تمدن و تربیت ناپذیر قلمداد نمایند.

نوشته حاضر بررسی نسبتاً فشرده و کوتاهی است از تسلط و نفوذ صهیونیسم بر وسائل اعلام و اخبار جهانی و نفوذ آنان در سازمان های بین المللی و پارلمان های دولتی و سلطه آنان بر اکثر سیاستمداران در نقاط مختلف جهان ، به منظور شناسائی توانائی ها و وسائل ابزار دشمن ، و در نهایت به منظور خنثی سازی این آثار زشت و خطرناک ، توسط انسان های مسئول و متعهد و مومن و مجاهد.

در اینجا ذکر این نکته ضرورت دارد که این صحیح است و یک حقیقت مورد قبول اسلام و قران و تورات است که خداوند وعده داد که بنی اسرائیل را در سرزمین پر برکت کنعان ساکن کند ، و به آنان عزت و قدرت دهد ، این وعده الهی نیز به انجام رسید و حضرت داوود و سلیمان (ع) حکومت الهی را در اورشلیم تاسیس کردند ، لیکن از آنجا که بنی اسرائیل به قوانین خدا پشت کردند و بت پرستی و ظلم و ستم را پیشه خود ساختند ، خداوند آنان را مطرود نمود و اورشلیم را در برابر حکومت بابل تسلیم کرد و شهر اورشلیم از آنان گرفته شد و کتاب تورات از آنان دور گردید.

تا اینکه بعد از هفتاد سال ، کورش پادشاه ایران ، آنان را به اورشلیم باز گرداند و مجدداً یهودیان ساکن اورشلیم شدند.

لیکن بنی اسرائیل بار دیگر در زمان حضرت عیسی سر به طغیان زدند و عیسای پیامبر را تکذیب کردند و مورد لعنت و نفرین عیسی (ع) قرار گرفتند ، و خداوند این بار نیز بر آنان غضب نموده اورشلیم بار دیگر به طور کامل خراب شد و یهودیان از این تاریخ به بعد آواره و پراکنده شدند و خداوند سکونت در اورشلیم و اجتماع در این سرزمین را به آنان حرام نمود.

و سرانجام خداوند سرزمین اورشلیم را به دست امت اسلام داد و وعده خداوند درباره مومنین تحقق یافت.

و اکنون وعده خداوند به یهودیان که در قران و در کتب مقدسه آمده این است که : هر گاه بار دیگر به اورشلیم باز گردند ، خداوند، آنان را گرفتار عذاب خواهد نمود ، زیرا اورشلیم خانه مقدس خدا و بیت المقدس است و پیوسته از آن بندگان مومن خدا خواهد بود.

در قران کریم می فرماید : ان عدتم عدنا و جعلنا جهنم للكافرين حصيرا:

اگر باز گردید به طغیان در اورشلیم ، ما باز می گردیم به عذاب شما و جایگاهی آتشیتان خواهیم داد، و اکنون که یهودیان صهیونیست به حيله و کید به این سرزمین باز گشته اند ، ما باید وعده الهی را به گوش همه اهل جهان برسانیم و وعده الهی را در مورد یهود اجرا کنیم ، اگر هدف یهود آنچنان است ، هدف اهل ایمان نیز اینچنین است . ما باید به سوی این اهداف الهی و تحقق این وعده حتم الهی حرکت کنیم.

امام خمینی فرمودند : بگوئید ، می شود، و بگوئید تا بشود.

اگر آنان به ریسمان استعمار آویزانند، ما به ریسمان الهی متکی هستیم.

اکنون وعده خداوند در مورد قوم یهود این است که: اگر در سرزمین قدس ساکن شوند، همه آنانکه وارد این سرزمین شده اند هلاک خواهند شد و جهنم یهود آغاز خواهد شد. برای اینکه به حضرت عیسی ، کافر شدند و توسط رسول الله لعنت شدند.

انقلاب فرانسه

در چهاردهم جولای ۱۷۸۹ میلادی، جماعتی از گرسنگان به زندان «باستیل» در پاریس، حمله کردند. فقرای پاریس که سان کولوت نامیده می شدند، از سیاستهای لویی

شانزدهم، پادشاه فرانسه، به خشم آمده بودند. لویی که با بحران مالی شدیدی دست به گریبان بود، از مجلس طبقات عمومی در خواست کرد تا مالیاتها را افزایش دهد. این امر، موجب بروز انقلاب فرانسه گردید و به مدت ۱۰ سال این کشور دچار هرج و مرج شد. لویی شانزدهم در سال ۱۷۹۲ اعدام شد و سرانجام، در سال ۱۷۹۹، هنگامی که ژنرال ناپلئون بناپارت به قدرت رسید، انقلاب پایان پذیرفت.

لوئی شانزدهم

لوئی شانزدهم در سال ۱۷۷۰ م با شاهزاده خانم اتریشی به نام ماری آنتوانت ازدواج نمود. وی در سال ۱۷۷۴ پادشاه فرانسه گشت. پس از انقلاب، لوئی به همراه خانواده اش سعی در فرار از فرانسه داشت. او به پاریس برگردانده شد و متهم به خیانت گشت. در ۲۱ ژانویه ۱۷۹۳، در مکانی موسوم به «پلاس دو لا رولوسیون» در پاریس، گردن پادشاه با گیوتین زده شد. همسر او نیز نه ماه بعد اعدام شد.

مه ۱۷۸۹ م

پادشاه فرانسه، لوئی شانزدهم، همه اعضای مجلس را فرا می خواند و از آنها می خواهد تا مالیاتها را افزایش دهند.

ژوئن ۱۷۸۹

اعضای مجلس سوم در زمین تنیس قصر پادشاه در ورسای تحصن می کنند و قسم یاد می کنند تا تغییر شیوه اداره فرانسه، با یکدیگر متحد باقی بمانند. آنها خود را به عنوان مجمع ملی اعلام می نمایند.

14 ژوئیه ۱۷۸۹

پاریسی های خشمگین با شنیدن اینکه سربازان پادشاه در راه هستند، ۳۰۰۰۰ تفنگ سرپر را از اسلحه خانه سلطنتی می دزدند. سپس آنها به زندان باستیل هجوم آورند. نبرد آغاز می گردد، اما زندان بدست مردم افتاده و قیام سراسر فرانسه را در بر می گیرد.

27 اوت ۱۷۸۹

مجمع ملی، بیانیه حقوق بشر و شهروندان را تصویب می کند. بر طبق این بیانیه، آزادی، یک حق طبیعی محسوب و تساوی تمام شهروندان در برابر قانون تضمین می گردد.

اکتبر ۱۷۸۹

کمبود مواد غذایی و شورشها ادامه می یابند. در پنجم اکتبر جمعیتی از مردم که اکثر آنها را زنان تشکیل می دادند از پاریس به سمت قصر پادشاه در ورسای، راهپیمایی و تقاضای نان می کنند. آنها اعضای خانواده سلطنتی را بعنوان اسیر با خود به پاریس می برند.

ژوئن ۱۷۹۰

اشراف، حقوق مربوط به القاب موروثی را از دست می دهند. کلیسا و اشراف، دارایی خود را مدیون این القاب هستند.

ژوئن ۱۷۹۱

پادشاه و خانواده اش سعی در فرار از فرانسه دارند، اما دستگیر شده و به فرانسه رجعت داده می شوند. هزاران تن از اشراف زادگان ، کشیشها و افسران ارتش که مخالف انقلاب هستند، فرانسه را ترک می گویند.

آوریل ۱۷۹۲

فرانسه علیه اتریش و پروسی که برای حمایت از پادشاه فرانسه ، نقشه حمله به فرانسه را داشتند، اعلان جنگ می کند. این آغاز جنگهای انقلابی علیه نیروهای مشترک اتریش، پروس، انگلستان و اسپانیا است. آنها تا سال ۱۸۰۲ به مبارزه خود ادامه می دهند.

اوت ۱۷۹۲

رژیم پادشاهی و قانون اساسی ۱۷۹۱ در قیامی جدید بر انداخته می شوند. سیاسیون افراطی ، کنترل دولت انقلابی را در دست می گیرند.

سپتامبر 1792

انتخابات بر پا می گردد. برای اولین بار در تاریخ فرانسه، هر فرانسوی از حق رای برخوردار است. رژیم پادشاهی از میان می رود و در فرانسه یک جمهوری و دولت مردمی اعلام می گردد. از این پس، حتی پادشاه لوئی شانزدهم نیز یک شهروند خوانده می شود. شروع تقویم انقلابی از ۲۲ سپتامبر است.

ژانویه ۱۷۹۳

در یازدهم ژانویه لوئی شانزدهم به جرم خیانت و شرکت در توطئه با قدرتهای خارجی گناهکار شناخته شده و ۱۰ روز بعد اعدام می گردد.

2 ژوئن ۱۷۹۳

ژاکوبین ها، گروهی انقلابی افراطی به رهبری ماکسیمیلین روبسپیر، قدرت را در دست می گیرند. دوره وحشت آغاز می گردد.

16 اکتبر ۱۷۹۳

همسر لوئی شانزدهم، ماری آنتوانت، اعدام می گردد.

28 ژوئیه ۱۷۹۴

با اعدام روبسپیر و ۲۱ تن از یارانش دوره وحشت پایان می پذیرد.

1795

قرار داد صلح با پروس و هلند و چند ماه بعد با اسپانیا به امضاء می رسد. یک دولت جدید به نام «دیرکتوار» («هیئت مدیره») تشکیل می یابد. این دولت چندان موفق نیست و نارضایتی بوجود می آید.

1799

ناپلئون بناپارت، یک ژنرال ارتش انقلابی، قدرت را در دست می گیرد. دولت «راهنما» به ناچار کناره گیری می کند. ناپلئون بسرعت امنیت را برقرار می سازد و خود را اولین کنسول می خواند.

1802

ناپلئون به عنوان کنسول اول مادام العمر، انتخاب می گردد.

28 مه ۱۸۰۴

ناپلئون خود را امپراتور فرانسه نموده و همسرش ژوزفین امپراتریس می گردد. زمانی فرانسه قدرتمندترین کشور اروپا بود. اما از اواخر قرن هجدهم، نظام حکومتی فرانسه، دچار بی کفایتی شده؛ دولت اغلب، کمبود پول داشت.

گیوتین

در ۱۷۹۱، در سال پس از انقلاب فرانسه، حکومت دستگاه جدیدی را برای اعدام در ملاء عام به خدمت گرفت. این دستگاه که گیوتین نامیده می شود برای قطع سرانسان با سرعت و بدون درد، طراحی شده بود. اما بزودی تبدیل به سمبول خوفناک دوره وحشت گردید.

مالیاتهای سنگین

رعایا و مزرعه داران تنگدست می بایست مالیتهای سنگینی پرداخت می کردند و کارگرانی که در شهرها زندگی می کردند نیز همانند آنان در فقر و فلاکت می زیستند. اشراف زادگان وکشیشان مالیات اندکی پرداخت کرده و اغلب یا کار نمی کردند و یا بسیار کم کار می کردند. در سال ۱۷۸۸ افزایش قیمت مواد غذایی بر اثر برداشت اندک محصولات کشاورزی ، بسیاری از مردم فقیر را ناتوان از پرداخت مالیاتهایشان نموده بود.

سان کولوت

مردم بی چیز پاریس سان کولوت (بدون کولوتها) خوانده می شدند، زیرا آنها بجای کولوت (شلوارهایی که تا بالای زانو بودند) که در آن زمان بین فرانسویان ثروتمند مد بود، از شلوارهای عادی استفاده می کردند.

الهام گرفتن از مردم آمریکا

وقایع این دوران خصوصا انقلاب آمریکا ،مردم فرانسه را به تفکر در مورد شیوه اداره کشور خودشان واداشت. بسیاری از مردم خواستار آزادی بیشتر از حکومت مطلقه پادشاه بودند.

مجلس طبقات عمومی

این مجلس قدیمی فرانسه برای اولین بار در طول 175 سال، در سال ۱۷۸۹ تشکیل شد. اعضای مجلس از سه گروه که به عنوان نمایندگان تمام فرانسه بودند، تشکیل شده بود. گروه اول کلیسا و گروه دوم اشراف بودند و بقیه مردم فرانسه به گروه سوم تعلیق داشتند. آنها دارای هیچگونه حق قانونی نبودند و برخلاف گروههای دیگر نمی توانستند از پرداخت مالیات خودداری کنند.

مجمع ملی

در سال ۱۷۸۹، مواد غذایی بسیار کمیاب و قیمتها بسیار بالا بود. و دولت تقریباً ورشکست شده بود. وقتیکه لوئی شانزدهم (۹۳ - ۱۷۵۴) در ماه مه، اعضای مجلس را برای ریشه یابی مشکلات کشور فرا خواند، دیگر بسیار دیر شده بود. بسیاری از نمایندگان مجلس سوم (مردم عادی) شکیبائی خود را از دست داده بودند. آنها از خواسته لوئی برای افزایش مالیاتها اطاعت نکرده و خود را یک مجمع ملی اعلام نمودند.

هجوم به باستیل

در ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹ ساکنان خشمگین پاریس، از ترس حمله سربازان پادشاه بسوی زندان باستیل هجوم بردند. این شورش منجر به شکل گیری قیامی در سرتاسر فرانسه به نام « ترس عظیم» شد. در ماه آینده، مجمع ملی، بیانیه حقوق بشر و اتباع را که مشخص کننده حقوق طبیعی تمام شهروندان را پذیرفت و همچنین خواستار سطح عادلانه مالیات شد.

لوئی می گریزد

در ژوئن 1791 لوئی شانزدهم به همراه همسرش ماری آنتوانت (۹۳- ۱۷۵۵) و فرزندان‌شان سعی در فرار از فرانسه داشتند. آنها در شهر وارن دستگیر، و به پاریس بازگردانده شدند. این شب که موسوم به «شب وارن» است، تبدیل به نقطه عطفی در انقلاب شد. لوئی حمایت بسیاری از مردمی را که تا آن زمان به او وفادار بودند از دست داد. در آوریل آینده دولت انقلابی علیه اتریش و پروس اعلان جنگ داد.

نظام پادشاهی از بین می رود.

بعد از قیام اوت ۱۷۹۲ و انتخابات ماه بعد، مجلس جدید پر از سر سخت ترین دشمنان لوئی شد. لوئی به اتفاق همسرش و فرزندان‌ش به زندان افکنده شد و در ۲۱ سپتامبر مجلس رای به انحلال پادشاهی داد. پادشاه متهم به خیانت شد و در ۲۱ ژانویه 1793 اعدام گشت.

دوره وحشت

طولی نکشید که شورشهای بزرگی علیه انقلاب در بخشهای مختلف فرانسه آغاز شد. انقلابیون افراطی موسوم به ژاکوبین ها به رهبری ماکسیمیلین روبسپیر (94- 1758) قدرت را در دست گرفتند. افراطیون با دستگیری تمام دشمنان انقلاب، سعی در کنترل اوضاع داشتند. «دوره وحشت» آغاز گشت و مردم فرانسه در وحشت از دست دادن جان خود زندگی می کردند.

پایان وحشت

در بسیاری از جهات، پایان دوره وحشت در ژوئیه ۱۷۹۴، پایان انقلاب نیز محسوب می شد. یک دولت ضعیف موسوم به «راهنما» قدرت را در اختیار گرفت. در سال ۱۷۹۹، یک ژنرال جاه طلب فرانسوی به نام ناپلئون بناپارت (۱۷۶۹ - ۱۸۲۱) فرمانروای فرانسه شد. وی در سال ۱۸۰۴ خود را امپراتور فرانسه خواند. سالهای دموکراسی فرانسه به پایان رسیده بود، اما هنوز شعار اصلی انقلاب «آزادی، برابری، برادری» به مردان و زنانی که در سرتاسر دنیا در جستجوی آزادی و عدالت بودند روحیه می داد.

دوره وحشت

در سال ۱۷۹۳م یک گروه افراطی به رهبری روبسپیر قدرت را در پاریس بدست می گیرد. این گروه هر کسی را که تهدیدی برای انقلاب محسوب می شد، دستگیر و اعدام می نمود. حدود ۳۵۰۰۰ نفر، از جمله رهبر محبوب، دانتون، در این کشتارها از بین رفتند. دوره وحشت با اعدام روبسپیر در ژوئیه ۱۷۹۴ پایان یافت.

ژرژ ژاک دانتون

یکی از رهبران انقلاب فرانسه، دانتون (۹۴ - ۱۷۵۹)، قیام سال ۱۷۹۲ را سازماندهی کرد و نظام پادشاهی را سرنگون ساخت. او سخنور بزرگی بود که مردم را به مبارزه برای سربلندی انقلاب ترغیب می نمود. دانتون بر دولت انقلابی تسلط یافت و علیرغم محبوبیتش در بین مردم توسط روبسپیر محکوم گشت و در ۵ آوریل ۱۷۹۴ به گیوتین سپرده شد.

حقایق ثبت شده

انقلابیون سعی در تغییر نحوه اداره فرانسه داشتند. از مردم خواسته شده بود تا همدیگر را بجای «مادام» و «موسیو» همشهری خطاب کنند. یک تقویم جدید درست شد. سال اول این تقویم از ۲۲ سپتامبر ۱۷۹۲ شروع می شد و به ماهها نامهای جدید، نظیر برومر (مه آلود) و ترمیدور (گرم) داده شده بود. این تغییرات مدت زیادی دوام نیافتند. اما تغییرات دیگری از قبیل به کار گرفتن سیستم اندازه گیری « متریک» و استفاده از فرانک فرانسه به عنوان پول رایج کشور، دوام یافتند.